

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

ط ن ز



چال سیاسی و شعبده بازی

مسکین! نه غمین شوکه چه کار است و چی بار است

این اوّل کار است

چون رشته دراز است و دو صد متر و هزار است

این اوّل کار است

از دُور چه خوش ، نغمهٔ دهل است و نغاره

سابون و تغاره

چرک و شپش نیفهٔ اشرار بکار است

این اوّل کار است

یک سال شدی پوره و یکبار نگفتی

صد بار شنفتی

از چه ز برت (نعمت) و (نادر) به فرار است

این اوّل کار است

هرگز نشوی دوست کسی را به صداقت

دوری ، ز رفاقت

اما ته بوجی گک انصاف تو غار است

این اوّل کار است

با تیغ و تبرزین ادب ، نثر و گهی نظم

(عظم - استخوان) درمفصل و در عظم

بر فرق سر ، دشمن گر بود ، نثار است

این اوّل کار است

افسوس به چشم دل خود ، پرده فگندی

اشرار پسندی

رقاصه و مکاره ره گفتی به مه یار است

این اوّل کار است

جر گشت چرا ؟ یک دفعه ئی ، تار و متارت

با خیل و قطارت

دور افگنش هر آنکه ترا چون خس و خار است

این اوّل کار است

گر آب ز سر می پردا ، یک کمی بالا

باید که نه پروا

یک نیزه و صد نیزه و خارج ز شمار است

این اوّل کار است

گویند گروهی، که، عجب چالِ سیاسیت

یک شعبده بازیست

منظور فقط اُیرو و پوند است و دُلار است

این اوّل کار است

گویند که این سازک و نیرنگِ ملائیت

از بهرِ جدائیت

تا بر ضدّیت، تاجیک و پشتون، دچار است

این اوّل کار است

گویند که « نعمت » تو ازین مُعضله بگذر

از خیر و هم از شر

زیرا پیّ شهرت همه بر مرکبی سوار است

این اوّل کار است